

هویت طلبی قومی در فضای مجازی

دکتر ابوتراب طالبی*

یاور عیوضی**

تاریخ دریافت: ۹۱/۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۲/۲/۲۵

چکیده

امروزه بسیاری از صاحب‌نظران بر این باور هستند که قومیت، قوم‌گرایی و ناسیونالیسم از موضوعات حساس کشورها محسوب می‌گردد. طی چند دهه اخیر به موازات افزایش ظرفیت‌های اطلاعاتی دنیای مدرن تنش‌های قومی فزونی یافته و مسائل جدیدی را بوجود آورده‌اند. این پژوهش با روش تحلیل محتوا به بررسی کم و کیف مسئله هویت طلبی قومی در فضای مجازی پرداخته است. جامعه آماری پژوهش تمام مطالب ۲۹ سایت فعال هویت خواه قومی (ترکی / آذری) در اردیبهشت ماه ۱۳۹۱ می‌باشد. در این مقاله مفهوم "هویت طلبی قومی" بر روی طیفی که پایین ترین سطح آن "قوم گرایی قانون مدارانه" و بالاترین سطح آن "پاکسازی قومی" می‌باشد، بررسی

Tatalebi@yahoo.com

Rozestane@yahoo.com

* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.

شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیشترین مطالب قومی موجود در فضای مجازی مربوط به "قوم مداری" (با ۵۴ درصد) می‌باشد. این مطالب در جهت باورسازی افکاری از قبیل ضدیت ترک و فارس، استعمار ترکان توسط حکومت فارسی و تحریف تاریخ و جغرافیایی آذربایجان نوشته شده‌اند. یک درجه شدید تر از درجه "قوم مداری"، درجه "ناسیونالیسم تجزیه طلبانه" می‌باشد که با محوریت لزوم جدایی از سرزمین ایران و مستقل بودن مناطق ترک نشین ایران نوشته شده است. بیشترین مطالب هویت طلبانه قومی مربوط به سایت‌های "آراز نیوز"، "قیرمیز" و "گونا تی وی" و بیشترین عوامل مورد نکوهش این رسانه‌ها نیز حکومت جمهوری اسلامی و برخی از فعالان ترک می‌باشند.

کلید واژه‌ها: قوم گرایی، آذربایجان، ناسیونالیسم، پاکسازی قومی، فضای

مجازی

بیان مسئله

قومیت و قوم گرایی بویژه در وجه ابزاری و سیاسی شده از مهم ترین دل مشغولی‌ها و موضوعاتی است که ذهن اندیشمندان علوم اجتماعی را به خود معطوف داشته است. شواهد گوناگون حاکی از آن است که مسائل قومی از بغرنج ترین و در عین حال تاثیر گذارترین مسائل اجتماعی و سیاسی در دنیای معاصر محسوب می‌شوند. درگیری‌های قومی عامل مرگ و آوارگی میلیون‌ها انسان دیگر، تجزیه کشورها از سویی و الحاق گرایی و ناسیونالیسم تهاجمی از طرفی دیگر بوده است. منازعات و درگیری‌های قومی در قرن اخیر مختص کشور و منطقه خاصی نبوده و تمام کشورهای جهان را کم و بیش در بر گرفته است. منازعات و کشمکش‌های قومی در کشورهای لیبرالی مانند فرانسه، کانادا و اسپانیا، در کشورهای کمونیستی چون چین و برمه، در کشورهای سوسیالیستی مانند یوگسلاوی و اتحاد جماهیر شوروی سابق، در کشورهای اسلامی

مانند پاکستان و یمن نشان می‌دهد که درگیری‌های قومی یک مشکل اپیدمیک بوده که تمام گیتی را در بر گرفته و خسارت‌های زیان باری را به همراه آورده است (محمدزاده، ۱۳۸۰: ۱۲).

امروزه فشردگی زمان و مکان، جهانی شدن یا "دو جهانی شدن" الزامات و شرایط خاصی را به دینامیسم رنگین کمان قومی ایران تحمیل کرده است. اینترنت و فضاهای مجازی نیز که از نمودهای دنیای مدرن قلمداد می‌شوند هم به واسطه ماهیت جهان‌گستر و بالقوه همگانی خود به تقویت ساختارهای جهانی کمک می‌کنند و هم در بطن خود فعالیت انواع خاص‌گرایی‌ها را امکان‌پذیر می‌سازند (لچنر و همکاران، ۲۰۰۰: ۲۸). فضای مجازی قادر است با ایجاد حس امنیت و آزادی بیشتر، علاوه بر جلب مشارکت ارتباطی بیشتر بر صراحت عملکرد و پیام‌های افراد و گروه‌ها نیز بیفزاید. در این راستا مثلاً در موضوعاتی مانند چالش‌های قومی - که عموماً فارغ از رویکردهای تند مخالف و انتقادی به‌ویژه نسبت به دولت‌های ملی متبوع خود نیستند - می‌تواند به فعالیت بیشتر این گروه‌ها در این فضا و استفاده از امکانات آن بینجامد (عیاری، ۱۳۸۴: ۷).

هر چند که آمار دقیقی در خصوص میزان استفاده از اینترنت در ایران گزارش نشده است^۱ اما امر مسلم، حاکی از رشد کاربران اینترنت در کشور می‌باشد. کارشناسان ارتباطات در تقسیم‌بندی که از رسانه‌های خبری ارائه می‌دهند بر نقش و اهمیت اینترنت تاکید وافری دارند. آن‌ها معتقدند که در این فضا (اینترنت)، شهروندان، هم می‌توانند به عنوان مخاطب باشند و هم به عنوان خبرنگار نقش فعالی داشته باشند و

- آمار کاربران اینترنت در ایران به موضوع مورد مناقشه ای بین مراجع گوناگون تبدیل شده است؛ اخیراً معاون امور مجلس رییس جمهور در همایشی اعلام کرد که هنوز ضریب نفوذ اینترنت در کشور ۱۱ درصد است که طبق اعلام اتحادیه جهانی مخابرات ۵۰ درصد کم‌تر از متوسط جهانی است. اما وزیر ارتباطات در همان جلسه درباره میزان ضریب نفوذ اینترنت کشور گفت: این میزان (ضریب نفوذ اینترنت) در کشور ما ۳۴/۹ درصد است (ایسنا - ۲۳ تیر ۱۳۸۹).

فارغ از پایگاه اجتماعی - اقتصادی و عقیدتی شان امکان به چالش کشیدن نظرات دیگران را داشته باشند (گرگی، ۱۳۸۴: ۳۰). این درحالیست که تنوع قومی (ترک، کرد، فارس، عرب، لر، بلوچ، ترکمن، گیلک و...) و کشیده شدن دامنه آن‌ها به کشورهای همسایه (با حاکمیت سیاسی مستقل) و مطرح شدن گفتمان حق تعیین سرنوشت در صحنه بین‌المللی، جدی‌ترین مسأله قابل پیش‌بینی فردای ایران را موضوع پویس‌های قومی در فضای مجازی - به همراه پویس‌های قومی در فضای واقعی - کرده است. با عنایت به قرائن و شواهد مدعای فوق‌مانند تشدید گسست میان هویت ملی و قومی، تصاعد مطالبات اجتماعی - منزلتی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، رشد فزاینده سازمان‌ها، نهادها، انجمن‌ها و مراکز قومی، تکوین احساسات قوم‌گرایانه افراطی در میان برخی از نخبگان، روشنفکران و احزاب سیاسی، افزایش بیگانگی سیاسی و ایجاد فاصله میان اقوام و نظام سیاسی، بروز و ظهور مطالبات قومی در فرصت‌های انبساط سیاسی مانند انتخابات‌های ملی و محلی چنین به نظر می‌رسد که تشدید هویت‌ها و پویس‌های قومی^۱ یکی از بارزترین مظاهر دینامیسم سیاسی و اجتماعی ایران در آینده نزدیک خواهد بود^۲ (کریمی‌مله، ۱۳۸۸: ۲۳). افزون بر این با گسترش روز افزون دنیای اطلاعات، رسانه و بویژه اینترنت مسائل یاد شده تشدید خواهند شد.

به نظر می‌رسد در مورد قوم‌آذری زبان در ایران نیز تاثیرات رسانه‌ها رو به فزونی خواهد بود. بررسی این موضوع با توجه به نقش تاریخی قوم‌آذری در شکل‌گیری و دفاع از "هویت ملی" اهمیت بیشتری دارد ریشه شکل‌گیری قوم‌گرایی آذری در ایران به دهه ۳۰ و ظهور جنبش تجزیه طلبانه فرقه دموکرات آذربایجان به رهبری پیشه‌وری و عمال

- برای مثال: از سال ۱۳۷۷ تا ۷۹ نزدیک ۲۲ مورد تظاهرات و ناآرامی‌های خیابانی در کردستان رخ داد که حادثه سوم اسفند ۷۷ مهمترین‌اش بود (چوبتاشاری، ۱۳۸۲: ۳۴) یا غانله ۱۳۸۵ آذربایجان، ۱۳۸۴ خوزستان و ...
- جهت توضیحات بیشتر در این خصوص می‌توانید به پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری حسین محمدزاده ۱۳۸۰، فرزاد چوبتاشاری ۱۳۸۲، برزو مروت ۱۳۸۳، ولی نقی‌زاده ۱۳۸۵، مجتبی تقوی‌نسب ۱۳۸۶، سمیه رحمانی ۱۳۸۸، علی کریم‌زاده ۱۳۸۸، مرسلی‌گنبری ۱۳۸۸، حسین محمدزاده ۱۳۹۰ و نواح ۱۳۸۶ مراجعه فرمایید.

شوروی بر می گردد. اما تاکنون اکثر این گرایش ها با توجه به عدم اقبال نزد ملت شکست خورده اند. در دوره پهلوی دوم و با اتخاذ سیاست های استحاله و بی توجهی به اقوام توسط حکومت، گرایشات ناسیونالیستی قومی با قدرت و فراگیری نسبتا بیشتری احیا گردید و موضوع قومیت تبدیل به یک مسئله در حیات اجتماعی ایرانیان شد. با وقوع انقلاب اسلامی و مطرح شدن گفتمان عدالت و برادری در کشور امید برچیده شدن چنین گرایش هایی فزونی یافت.

به نظر می رسد با توجه به تغییرات فرهنگی اجتماعی در دودهم گذشته، اشتباهات عمدی و سهوی برخی از نخبگان ایران از یکسو، تلاش های تجزیه طلبانه کشورهای همسایه (از جمله جمهوری آذربایجان و ترکیه)، یک جانبه گرایی غرب و آمریکا در قبال ایران، سیاست های استعماری مانند طرح خاورمیانه جدید از سوی دیگر موج سوم گرایشات قومی با شدت و فراگیری بیشتر نسبت به دوره های قبلی ظاهر گردیده است. از نشانه های بارز آن می توان به ده ها تجمع و شورش در یادبود ستارخان، تولد بابک خرمدین، سالروز ۲۱ آذر (قیام پیشه وری)، روز زبان مادری و غائله خرداد ماه ۱۳۸۵ اشاره کرد.

به نظر می رسد در توسعه این فرایند رسانه های جدید بویژه اینترنت تاثیر تعیین کننده ای دارند. افزایش استفاده از اینترنت و فعالیت های گسترده ی هویت طلبان قومی در این فضا، بررسی درجات و مواضع تبلیغی سایت های مرتبط با این موضوع را بیش از پیش ضروری می نماید. بر این اساس در این تحقیق مهم ترین سایت های هویت طلبان قومی انتخاب و مورد بررسی قرار می گیرند.

بر اساس آنچه گفته شد مهم ترین اهداف تحقیق عبارتند از:

- شناخت محتوای مهم ترین سایت های هویت خواه قومی در فضای مجازی
- بررسی درجه هویت طلبی قومی در فضای مجازی
- معرفی عواملان مورد نکوهش (نشانگاه منفی) در رسانه های مورد بررسی

۱- در این حادثه در شهرهای آذربایجان، شورش هایی منجر به صدمات زیاد به اماکن دولتی گردید و هزینه های زیادی به بار آمد.

سئوالات پژوهش

- مهمترین سایت‌های هویت خواه قومی کدام‌اند؟
- رسانه‌های هویت خواه قومی بیشتر در چه قالبی، مطلب ارائه کرده‌اند؟
- چه موضوع و مسائلی از منظر رسانه‌های هویت خواه قومی برجسته شده‌اند؟
- مسببین و نکوهش شدگان رسانه‌های هویت طلب چه کسانی‌اند؟
- رسانه‌های هویت طلب بیشتر تابع کدام موضع و درجه هویتی هستند؟

پیشینه پژوهش

تاکنون مطالعات بسیاری در مورد قومیت و قوم گرایی در داخل و خارج از ایران انجام شده است، اما پدیده قوم گرایی در فضای مجازی (با وجود گسترش بسیار زیاد آن) کمتر مورد مطالعه علمی قرار گرفته است. در ادامه مرور اجمالی به برخی از پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه می‌پردازیم. احمدی در "قومیت و قوم گرایی در ایران، افسانه و واقعیت" که به ریشه‌های سیاسی شدن مسئله قومیت اقوام کرد، بلوچ و آذری پرداخته به ۳ متغیر اشاره داشته است: ۱- ظهور دولت‌های سکولار مدرن و مواجهه آن‌ها با روسای قبیله ای خود مختار سنتی، ۲- کنترل اختلافات مذهبی قومی و ساختار هویت‌های قومیت‌وسط نخبگان سیاسی و روشنفکران قومی و غیر قومی (اشاره به نقش نخبگان) و ۳- حمایت گرایش‌های ناسیونالیستی سکولار به وسیله خاورشناسان غربی (احمدی، ۱۳۸۳: ۳۵).

تامسون در کتاب ناسیونالیسم اروپایی با توجه به ماهیت شکل گیری گرایش‌های ناسیونالیستی، دست به گونه شناسی آن‌ها می‌زند و از ناسیونالیسم قومی فرهنگی، ناسیونالیسم تجزیه طلبانه، ناسیونالیسم ضد استعماری، ناسیونالیسم افراطی گسترش طلبانه، ناسیونالیسم نژادپرستانه، بازو بسته، خوب و بد، پیشرو و ارتجاعی یاد می‌کند

(تامسون، ۱۳۷۰: ۴۲-۲۱). در همین راستا خانم عاطفه فراهانی در مقاله خود با عنوان "مطالعات قومی: مفاهیم و نظریات" از رونق سه نوع ناسیونالیسم یاد می‌کند که عبارتند از: الف) ناسیونالیسم قومی جدایی خواه و تجزیه طلبانه، ب) ناسیونالیسم قومی الحاق گرایانه و ج) ناسیونالیسم قومی با مطالبات فزاینده و انفجارهای خطرناک سیاسی (فراهانی، ۱۳۸۶: ۹۶).

ضیاء الدین احمد در کتاب خود با عنوان "نگاهی به جنبش ناسیونالیسم عرب" ظهور و نضج ناسیونالیسم‌های قومی کشورهای جهان سوم را در راستای استعمار و سلطه‌گری غرب توضیح می‌دهد و سه عامل توسعه آن را ۱- مطبوعات ۲- مراکز تعلیم و تربیت و ۳- احزاب، انجمن‌ها و گروه‌های سازمان یافته می‌داند (ضیاء الدین احمد، ۱۳۶۵ به نقل از لهسایی زاده، ۱۳۸۸: ۴۸).

مرسلی گنبری (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان "خوانش گفتمان ناسیونالیستی در آذربایجان ایران از منظر انتقادی" سه گفتمان قومی را در آذربایجان ایران ردیابی می‌کند که عبارتند از ۱- ناسیونالیسم قانونگرا و طرفداران چهرگانی ۲- جنبش فدرال دموکرات آذربایجان (ج ف د آ) و ۳- گفتمان ناسیونالیستی استقلال طلب. نماینده این گفتمان حزب استقلال آذربایجان جنوبی (گایپ) می‌باشد که تشکل‌ها و نشست‌های مستمر در کشورهای آذربایجان، ترکیه، سوئد، بلژیک، دانمارک و کانادا دارند (مرسلی گنبری، ۱۳۸۸: ۸۲). دلایل و عواملی که برای تبیین ناسیونالیسم قومی در مطالعات آمده‌اند، متعدد هستند، به طور کلی آن‌ها را می‌توان در دو دسته عوامل داخلی و عوامل خارجی طبقه بندی کرد. از عمده مطالعاتی که در ایران انجام و ارتباط بین رسانه‌های جمعی و هویت طلبی قومی را بررسی کرده‌اند می‌توان به یافته‌های فکوهی ۱۳۸۸، کاویانی راد ۱۳۸۰، مروت ۱۳۸۳، کریم زاده ۱۳۸۸، محمدزاده ۱۳۹۰ و محمودی ۱۳۹۰ اشاره کرد. براساس یافته‌های آنها بین استفاده از رسانه‌های جمعی از قبیل رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت و نشریات با گرایشات هویت طلبانه قومی ارتباط مستقیم معناداری وجود دارد.

مبانی نظری تحقیق

موضوع "هویت" به تفصیل توسط صاحب‌نظران جامعه‌شناسی از جمله توسط متفکران مکتب کنش متقابل نمادین مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. با توجه به این که هویت قومی گونه‌ای از هویت جمعی است و هدف ما نیز مطالعه و شناخت درجات هویت طلبی قومی است، چارچوب مفهومی این مقاله در تبیین هویت طلبی قومی بر دیدگاه کنش متقابل نمادین استوار شده است.

نظریه جرج هربرت مید درباره خود و نحوه تکوین آن به خوبی نشان می‌دهد که هویت (به معنی "خود") مضمون و ماهیتی اجتماعی دارد. بنابه نظر مید، خود مرکب از دو بخش است: "من فاعلی" و "من مفعولی". خود محصول گفتگوی "من فاعلی" و "من مفعولی" است. "من فاعلی"، خود انگیخته، جامعه ناپذیر، پیش بینی ناپذیر و جنبه انگیزشی خود و فاعل کنش‌های فرد است، اما "من مفعولی" به تدریج از طریق کنش متقابل فرد با دیگران و درونی ساختن جامعه تکوین می‌یابد و بر "من فاعلی" نظارت می‌کند. "من مفعولی" بخشی از خود است که به مثابه ابژه کنش‌ها و دیدگاه‌های دیگران، از جمله تاملات شخص در قبال خود، شکل می‌گیرد. فرد زمانی تحت تاثیر "من فاعلی" قرار می‌گیرد که نتواند با هنجارها و انتظارات جامعه سازگار شود (دیلینی، ۱۳۸۹: ۲۶۸). مید در ارتباط بین خود و جامعه به عامل مهم ذهن تاکید می‌کند. مید، ذهن انسان را به عنوان یک چیز یا یک پدیده در نظر نمی‌گرفت، بلکه آن را همچون یک فراگرد اجتماعی می‌پنداشت که ارتباط بازاندیشانه خود و جامعه از آن ناشی می‌شود. ذهن کنشگر به شدت از زبان زمینه‌های زیستی و اجتماعی متأثر است که به درک معانی نمادهای اجتماعی می‌پردازد (ریتزر، ۱۳۷۹: ۲۷۴).

بعدها بلومر این ایده را توسعه داد که من اجتماعی تحت تاثیر هنجارهای فرهنگی، موقعیت‌ها و توقعات اجتماعی به وجود می‌آید (توسلی، ۱۳۸۰: ۴۸۳). منظور وی از موقعیت، شرایطی است که در آن هم هنجارهای فردی یا خرده فرهنگی و هم

هنجارهای کلان نهفته‌اند. بلومر در رابطه با خود و کنش، چهار دعوی اساسی را مطرح می‌سازد. افراد نسبت به چیزها و سایر افراد بر حسب معنایی که به آن‌ها نسبت می‌دهند، واکنش نشان می‌دهند؛ تعامل بشری یا ارتباط بین آدمیان شرط لازم شکل‌گیری معناست؛ کنش‌های اجتماعی ضرورتاً در چارچوب فرایندی تفسیری انجام می‌گیرند و در نتیجه، شبکه‌ها و نهادهای اجتماعی ذاتاً سیال و متغیرند و همواره تا حدودی در معرض بازنگری و بازاندیشی اند (جلایی پور، ۱۳۹۱: ۱۳۰).

گافمن با الهام از بلومر برای تبیین هویت به نحوه بکارگیری نمادها جهت ایفای نقش توسط کنشگران علاقه نشان داد. رویکرد گافمن به "رویکرد نمایشی" معروف است. وی معتقد است که افراد همواره نقش‌های اجتماعی خود را، درست مثل بازیگران تئاتر، برای دیگران ایفا می‌کنند؛ رویکرد او به تحلیل نحوه اجرای نمایش‌هایی می‌پردازد که افراد آن را اجرا می‌کنند. یکی از موضوعات مهم گافمن این است که کنشگران برای حفظ هویت اجتماعی خود، همچنین برای دفاع از خود در برابر ارزیابی‌های نامطلوب و منفی دیگران، زنجیره‌ای از شگردها و تاکتیک‌ها را در درون خود ذخیره می‌کنند.

جنکینز با مبنا قرار دادن زمینه‌های اجتماعی "خود" شکل‌گیری هویت را وابسته به شرایط اجتماعی می‌داند. از نظر وی "هویت اجتماعی درک ما از این مطلب است که چه کسی هستیم و دیگران کیستند و از آن طرف درک دیگران از خودشان و افراد دیگر (از جمله ما) چیست. هویت اجتماعی امری ذاتی نیست و محصول توافق و عدم توافق است" (جنکینز، ۱۳۸۱: ۸). در هویت‌های جمعی موضوع اساسی "شبهت" و "تفاوت" است، شبهت میان افراد یک جماعت و تفاوت آن‌ها با جماعات دیگر. جنکینز یادآور می‌شود که بارزترین فرق میان هویت فردی و هویت جمعی، تاکید اولی بر تفاوت و تاکید دومی بر شبهت است. هویت اجتماعی از نظر او یک فرایند است که هیچگاه به تمام و کمال نمی‌رسد و همواره در حال شدن است. او در تعریف هویت اجتماعی می‌نویسد: "هویت اجتماعی به شیوه‌ای که بواسطه آن‌ها افراد جماعت‌ها در

روابط اجتماعی خود از افراد و جماعت‌های دیگر متمایز می‌شوند، اشاره دارد و برقراری و متمایز ساختن نظامند نسبت‌های شباهت و تفاوت میان افراد، میان جماعت‌ها و میان افراد و جماعت‌هاست" (همان: ۷). بر اساس این دیدگاه می‌توان گفت هویت‌های جمعی در هر جامعه‌ای از منابع گوناگونی سرچشمه می‌گیرند. منابع هویت بخش بنابر شرایط تاریخی، جغرافیایی، فرایندهای جامعه‌پذیری، گفتمان‌های حاکم، روابط اجتماعی، رسانه‌ها، سیاست فرهنگی و سایر عوامل تفاوت می‌کنند. در دنیای مدرن چون منابع هویت ساز متعددند، هویت یکپارچه محقق نمی‌شود بلکه تحت تاثیر هر کدام از جریان‌های هویتی خاص، شاکله هویت کنشگران سازماندهی می‌شود. نهایتاً آن که چون این فرایند بصورت تدریجی رخ می‌هد، کنشگران میان این منابع متعدد هویتی خودسازگاری و انطباق ایجاد می‌کنند.

هویت طلبی قومی

در تحلیل هویت جمعی می‌توان تقسیم بندی‌های متفاوتی را مشاهده کرد. یکی از مهمترین این تقسیم بندی‌ها، تفکیک سه نوع از هویت جمعی است: هویت قومی، هویت ملی و هویت جهانی. الطایی هویت قومی را مجموعه خاصی از عوامل عینی و ذهنی فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و نفسانی می‌داند که در یک گروه انسانی متجلی می‌شود و آن را نسبت به دیگر گروه‌ها متمایز می‌سازد؛ زیرا که این هویت باید با واقعیت همان گروه منطبق باشد (الطائی، ۱۳۸۲: ۱۵۹). مهم ترین خصوصیات یک قوم را می‌توان در این موارد دانست: نیاکان مشترک واقعی یا باور به نیاکانی اسطوره‌ای، نام مشترک، سرزمین مشترک، زبان مشترک، فضاهای مشترک زیستی، رسوم و آداب مشترک، ارزش‌های مشترک و احساس تعلق به یک گروه واحد (برتون، ۱۳۸۰: ۲۳۵). اصطلاح قوم به گروهی اشاره دارد که با ویژگی‌های بنیادی از قبیل زبان، آداب و رسوم و میراث تاریخی، از سایر گروه‌های اجتماعی که دارای پیوستگی و همبستگی نژادی هستند، متمایزند. «ویکتور کوزلف» بر این باور است که: «قوم یا همبودی قومی، یک

سازمان اجتماعی شکل یافته ای است که در پهنه سرزمین معین قرار دارد و مردمی را که در طول تاریخ با هم پیوندهای اقتصادی، فرهنگی، خویشاوندی و... برقرار کرده‌اند، را زیر پوشش قرار می‌دهد» (دژم خوی، ۱۳۸۰: ۴۷).

قومیت دارای مؤلفه‌های ذهنی و عینی است، و ابعاد آن عبارتند از: علاقه و آگاهی ذهنی از هویت، تعلق، منافع مشترک و علائق مشترک و اشتراکات عینی فرهنگی در زبان، پیشینه تاریخی، دین و سرزمین مشترک. الکساندر قومیت را این گونه تعریف می‌کند: «ویژگی‌های اولیه واقعی یا تصویری که باعث پیوند یافتن گروهی از افراد به دلیل وجود نژاد، مذهب و ریشه ملی مشترک، به اضافه زبان و یا خصوصیات فرهنگی مشترک دیگر می‌گردد که ناشی از سرزمین آبا و اجدادی مشترک می‌باشد. برخی‌ها نیز شاخص‌های قومی را «خود آگاهی قومی» «زبان مادری» «سرزمین نیاکانی» یا زادگاه و «ویژگی‌های روانی - فرهنگی» و «شیوه زیستن» می‌دانند (رمضان زاده، ۱۳۷۶: ۷۵). در هر حال قومیت راهی برای هویت یابی جمعی است که مفهوم "ما" و "آنها" را شکل بخشیده و دارای ساختی اجتماعی همراه با اشاره به فرهنگ است (بالمر، ۱۳۸۱: ۱۱۲).

کاستلز از قول کالهن در این رابطه نقل می‌کند: ما هیچ مردمی بی‌نام نمی‌شناسیم، هیچ زبان یا فرهنگی سراغ نداریم که بین خود و دیگری، ما و آنها، تمایز برقرار نساخته باشد. ناصر فکوهی با توجه به تعاریف گوناگونی که در زمینه قومیت موجود است، مهم‌ترین خصوصیات یک قوم را نیاکان مشترک، سرزمین مشترک، زبان مشترک، فضاهای مشترک زیستی، رسوم و آداب مشترک، ارزش‌های مشترک و احساس تعلق به یک گروه واحد معرفی می‌نماید (برتون، ۱۳۸۰: ۶۳). روشن است که از دیدگاه ما هویت‌های اجتماعی در دنیای ما چندگانه است. پس هویت اجتماعی را خالص یا ایستا نمی‌توان فرض کرد. هویت‌ها تحت شرایط جدید و یا به واسطه مشارکت در

فضا/قلمروی اجتماعی با دیگر فرهنگ‌ها از آن‌ها تاثیر گرفته و متقابلاً بر آن‌ها تاثیر می‌نهند. این موضوع در مورد هویت طلبی قومی نیز صدق می‌کند. در مجموع می‌توان گفت، تشابه و تمایز، دو رکن اساسی شکل‌گیری هویت قومی می‌باشند. با توجه به تنوع تشابهات (عناصر متشابه کننده) و تمایزات (غیریت) ما با تنوع خودِ هویت قومی نیز مواجه هستیم. با توجه به چگونگی نمودار اشکال ارتباط "ما" و "دیگری" می‌تواند در درجات متفاوتی از هویت طلبی قومی شکل بگیرد. منطبق با شکل بندی ارائه شده توسط مرسل گنبری برای هویت طلبی قومی و اشکال جدیدی که از رابطه "ما" و "دیگری" از مبانی نظری قابل احصاء است، می‌توان درجات هویت طلبی قومی را به شرح زیر در پنج دسته جای داد^۱.

الف- قوم‌گرایی قانون مدارانه: قوم‌گرایی قانون مدار به نحوه بیان هویتی گفته می‌شود که بپذیرش عناصر قوم خودی و آگاهی به تمایز از دیگری، عناصر قوم خود از جمله زبان، موسیقی، ادبیات شفاهی و... را دوست دارد اما عناصر اقوام دیگر را به عنوان واقعیت مشروع می‌پذیرد. از آنجایی که در این درجه، قانون و شهروندی ملاک قرار می‌گیرد و مطالبات قومی به روش‌های قانونی پیگیری می‌شود، به آن "قوم‌گرایی قانون مدارانه" می‌گوییم. این درجه از هویت طلبی قومی در عرصه الگوهای مدیریت قومی با الگوی تکثرگرایی مساوات طلبانه^۲ پاسخ داده می‌شود (دشتی، ۱۳۹۰: ۱۲۳).

۱- قابل ذکر است، تمام درجات هویت طلبی قومی به معنای گرایشات واگرایانه قومی از هویت ملی و در وجه سیاسی شده، همان طور که خواهیم دید، درجات پایین هویت طلبی قومی در اغلب الگوهای مدیریتی قومی و بویژه در مدیریت قومی حال حاضر کشور پیش‌بینی و محترم شمرده شده است (اصول ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی کشور). ضمناً درجات هویت طلبانه یاد شده هر چقدر از پایین (قوم‌گرایی قانون مدارانه) به سمت بالا (ناسیونالیسم تجزیه طلبانه و پاکسازی قومی) حرکت می‌کند، از فرهنگ و مطالبات فرهنگی به سیاست و مطالبات سیاسی گرایش پیدا می‌کند.

۲. Equalitarian pluralism

ب- قوم ستایی: قوم و سرزمین خود را دوست دارد در حالی که اقوام دیگر ایرانی را نفی نمی‌کند. در این درجه، هویت طلب قومی هیچ کاری با دیگر اقوام و فرهنگ شان ندارد، در واقع خنثی و فاقد موضع می‌باشد؛ اما محور مباحث او سرزمین و ویژگی‌های قوم خود است که معمولاً با تقدس بخشی و مبالغه گویی در تمجید همراه است (دشتی، ۱۳۹۰: ۱۲۳). در حقیقت مهم ترین تفکیک این درجه از هویت طلبی قومی با قوم‌گرایی قانون مدارانه، در "تقدس بخشی مفرط" به عناصر قومی خودی (ما) و دید "خنثی" به دیگری است.

پ- قوم مداری: بروس کوئن بر این باور است که در قوم مداری، قوم خودی، برتر و دیگر اقوام تحقیر می‌شوند. در این درجه، فرد نگرش مثبت به درون گروه دارد و نگرش منفی به برون گروه (کوئن، ۱۳۷۲: ۱۳۲). برخی نویسندگان، قوم مدار را بیگانه ستیز معرفی می‌کنند. قوم مداری به رفتار و قضاوت و اعتقادی اطلاق می‌شود که بر اساس آن فرد و گروه، فرهنگ و قومیت خود را بهتر و برتر از دیگران می‌داند و به هنگام ارزیابی یکی از جنبه‌های فرهنگی جامعه دیگر، فرهنگ خود را معیار قرار می‌دهد. (براس^۱، ۱۹۹۸: ۲۳). در واقع، تفاوت بارز قوم مداری با قوم ستایی در تعریف "دیگری" به عنوان "ضد" و "دشمن" می‌باشد. مشخصاً در قوم ستایی، هویت طلب قومی نسبت به "دیگری" نگاه خنثی و بی‌طرفانه‌ای دارد در حالی که در قوم مداری موضع‌گیری منفی (جهت‌گیری دشمنانه) وی در خصوص "دیگری" مشهود است.

ت- ناسیونالیسم تجزیه طلبانه: آلن بیرو در فرهنگ علوم اجتماعی ناسیونالیسم را جریانی فکری، عقیدتی و مرامی تعریف کرده است که «گرایش به تعالی بخشیدن به ملت، گذشته‌هایش، کیفیات و حالات و اهداف و خواسته‌هایش دارد (بیرو، ۱۳۸۰: ۲۳۹). ناسیونالیسم همچنین احساس مسئولیت در برابر سرنوشت {تبلیغی} و وفاداری به ملت را دربر دارد و در این راه فداکاری نیز می‌طلبد (علیزاده، ۱۳۸۱: ۲۰۳).

۱. Brass, Paul

اوزکریملی ویژگی مهم ناسیونالیسم را در تمایز بخشی بین "ما"، "آنها" و "دوستان"، "دشمنان" می‌داند. این دسته‌ها با مجموعه‌های جمع‌ناپذیری از حقوق و تکالیف متناسب و اهمیت اخلاقی و اصول رفتاری، قویاً از یکدیگر تفکیک می‌شوند» (اوزکریملی، ۱۳۸۳: ۲۷۳-۲۷۴). ناسیونالیسم قومیت‌جذبه طلبانه در جوامعی که قومیت‌ها متعدد و خارج از قدرت سیاسی اند در صورتی که هر یک از اقوام بخواهند تبدیل به ملت شوند، بالطبع باید مبارزه‌ای را به صورت مسالمت‌آمیز و یا غیرمسالمت‌آمیز داشته باشند که با دولت مستقر در تضاد قرار خواهند گرفت. تفکرات پشتیبان این نوع از ناسیونالیسم با هدف جدایی شکل می‌گیرد (فراهانی، ۱۳۸۶: ۹۶). این نوع قوم‌گرایی که از افتراق نژادی و قومی و افزایش تفکر قوم‌مداری ناشی می‌شود به دو صورت نمود پیدا می‌کند: ۱- این که اقوام و نژادها باید از هم جدا باشند اما نه به منزله جدایی جغرافیایی. بلکه جدایی فرهنگی؛ یعنی حفظ فرهنگ، زبان، موسیقی، آداب و رسوم و... زیر نظر حکومت مرکزی (فدرالیسم) ۲- درجه فراتر از این، به جدایی جغرافیایی منجر می‌شود و خطوط مرزی کشور را تحت الشعاع قرار می‌دهد (ماتیل، ۸۳: ۲۶۷). در حقیقت در این درجه از گرایش‌ها هویت طلبانه علاوه بر ویژگی‌های بالا، "حد" و "مرز" مطرح می‌گردد. این نوع از ناسیونالیسم در رابطه با آذربایجان به ۴ نحله تقسیم می‌شود: ۱- استقلال کشوری با عنوان آذربایجان ۲- جدایی و الحاق آن به کشور جمهوری آذربایجان ۳- جدایی و الحاق آن به کشور ترکیه ۴- جدایی در جهت ایجاد سرزمین ترکان جهان.

ج- پاک‌سازی^۱ قومی: آخرین و افراطی‌ترین درجه در مبحث ارتباط بین "ما" و "دیگری" می‌باشد که از گسترش تفکرات ناسیونالیستی بوجود می‌آید و عبارت است از: اخراج دسته جمعی یک گروه قومی، زبانی یا مذهبی از یک سرزمین از طریق کوچاندن اجباری یا نسل‌کشی قومی. مثل وقایع یوگسلاوی یا رواندا (ماتیل، ۱۳۸۳:

۲۸۸). این درجه از هویت طلبی قومی امروزه به ندرت دیده می‌شود ولی جهت تکمیل مقیاس هویت طلبی قومی می‌توان آن را حد نهایی قوم‌گرایی تلقی کرد. براساس آنچه گفته شد قومیت و جهت‌گیری‌های قومی را می‌توان بر روی طیف نشان داد. اگر هویت طلبی قومی را در یک پیوستار نشان دهیم در پایین‌ترین سطح آن قوم‌گرایی قانون‌گرایانه قرار می‌گیرد. در این نوع، فرد قوم‌گرا ضمن قبول دیگر اقوام و هویت ملی به برجسته کردن عناصر و ابعاد قومی خویش می‌پردازد. در درجات بالاتر، قوم‌ستایی با تقدس ابعاد و عناصر قومی و نگاه خنثی و منفعلانه به دیگر اقوام و هویت ملی، قوم‌مداری با تقدس عناصر قومی خویش و دشمن‌تراشی و بعضاً با تحقیر هویت ملی و دیگر اقوام، ناسیونالیسم تجزیه‌طلبانه با تقدس عناصر قومی و لزوم جدایی‌گزینی جغرافیایی و فرهنگی به همراه ویژگی‌های مرحله قبل و سرانجام پاک‌سازی قومی با تقدس عناصر و ابعاد هویت قومی و لزوم حذف دیگران - با کشتار یا با کوچاندن - قرار می‌گیرند. در نمودار زیر درجات گوناگون هویت طلبی قومی نشان داده شده است.



نمودار ۱- مقیاس هویت طلبی قومی

اینترنت و هویت طلبی قومی

یکی از عوامل و فضاهاى جدیدی که از یک سو در هویت طلبی قومی موثر است و از سوی دیگر عرصه‌ای برای ابراز هویت قومی است فضای مجازی و اینترنت می‌باشد. اینترنت رسانه جمعی جهان گستر است. نکته اینجاست که به واسطه تحلیل رفتن عامل جغرافیا/مکان فیزیکی در اینترنت، اجتماعات مجازی تابع بسیاری از محدودیت‌های ناشی از فواصل جغرافیایی سیاسی نبوده و قادرند دامنه بسیار گسترده‌ای از ارتباطات اجتماعی را پدید آورند که تاکنون مشابه آن وجود نداشته است. امروزه این فرایند تا حد بسیار زیادی بر نقاط اشتراکی مانند: زبان، مذهب، جنسیت، دیدگاه‌های سیاسی، رشته‌های تخصصی و غیره سرایت یافته است.

همان گونه که هویت اجتماعی در زندگی واقعی افراد می‌تواند در نوع استفاده فرد از اینترنت موثر واقع شود، وجود اجتماعات و ارتباطات اینترنتی نیز می‌تواند در جهت دهی رفتار افراد موثر واقع شود. در هر حال به نظر می‌رسد که انواع جریان‌های هویتی موجود در اینترنت اغلب بازتاب مستقیم واقعیات جهان بیرونی باشند. اینترنت از این قابلیت برخوردار است که به‌عنوان عاملی موثر در یکپارچگی و تقویت هویت‌هایی که به دلایل گوناگون از جمله به‌واسطه فرایندهای ملی‌گرایی و جهانی شدن مورد تهدید واقع شده‌اند، مفید واقع گردد. این ادعا بویژه در مقابل افرادی مطرح می‌شود که اینترنت را ابزاری در جهت یکسان‌سازی ذائقه‌ها، هویت‌ها و رفتارها عنوان می‌کنند. از این دید در واقع انواع مطالبات، آرمان‌ها و چالش‌های هویت جویانه جهان واقعی (از جمله قومیت) با شناخت روزافزون امکانات بالقوه اینترنت، به‌منظور حفظ، تقویت و گسترش بیشتر خود به این حیطه راه گشوده‌اند که شواهد اینترنتی فراوانی بر آن دلالت دارد (فکوهی، ۱۳۸۴: ۷۳).

به هر تقدیر فعالیت‌ها و تولیدات مجازی گروه‌های قومی بدون وابستگی مکانی و زمانی، افراد زیادی را به لحاظ داشتن وجهه‌ای مشترک به هم می‌پیوندد. امری که باعث چشم پوشی از قلمرو مشترک سیاسی می‌شود و هویت قومی - که گونه‌ای از

هویت جمعی محسوب می‌گردد - می‌تواند در این فضا موجودیت و نشو و نما داشته باشد. چیزی که آنتونی گیدنز در توصیف آن از مفهوم "از جاکندگی" در حکم رها شدن پدیده‌ها از قید عادت‌ها و عملکردهای محلی استفاده می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۰: ۴۴).

روش تحقیق

برای دستیابی به داده‌های مرتبط با اهداف پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده کرده‌ایم. تحلیل محتوا یکی از روش‌های مهم و کاربردی است که پژوهشگران با استفاده از این روش، به واری‌های خود می‌پردازند. تحلیل محتوا روش تحقیقی است برای گرفتن نتایج معتبر و قابل تکرار از داده‌های استخراج شده از متن (رایف، ۱۳۸۶: ۲۳). یا به عبارت دیگر، روشی است که به کمک آن، ویژگی‌های خاص پیام‌ها را به طور نظام یافته و عینی مورد شناسایی قرار می‌دهند (چاوا، ۱۳۹۰: ۴۶۹). اولین اقدامی که عموماً برای هر نوع تجزیه و تحلیل صورت می‌گیرد، تفکیک مواد آماده شده به عناصر و اجزای گوناگون است، در تجزیه و تحلیل محتوا مجموعه مورد نظر به واحدهای بیش از پیش کوچک تقسیم می‌شود (معمد نژاد، ۱۳۵۶: ۱۵۳). به عبارت دیگر کوچک‌ترین بخش از محتوا که شمرده شود و امتیاز بدان تعلق گیرد، واحد کدگذاری نامیده می‌شود. بر همین اساس واحد تحقیق به واحدهایی گفته می‌شود که از نظر آماری تحلیل می‌شوند تا به فرضیه یا سؤال تحقیق پاسخ داده شود. مضامین متنی در قالب‌های گوناگون ارائه می‌شوند. در این تحقیق مطالب ارائه شده در اینترنت فارغ از قالب (اعم از مصاحبه، مقاله، خبر، یادداشت، بیانیه، نامه و...) بعنوان واحد تحقیق یا واحد بررسی در نظر گرفته شده‌اند. در حقیقت واحد تحقیق نه کلمه، جمله، پاراگراف، بلکه هر مطلبی است که مضمون هویت طلبانه قومی را ارائه می‌کند.

جامعه آماری این تحقیق نیز سایت‌هایی می‌باشند که در زمینه هویت طلبی قومی در اردیبهشت ماه ۱۳۹۱ مطلب نوشته‌اند. انتخاب جامعه آماری بر اساس میزان انتشار

مطالب هویت طلبانه، به روز بودگی مطالب و مورد ارجاع واقع شدگی آن‌ها انجام شده است. برای انتخاب نمونه‌های مورد بررسی، ابتدا با استفاده از کلید واژه‌هایی چون قوم ترک، تضييع حقوق، تبعيض بين فارس و ترک و... وارد سایت‌های هویت خواه قومی شده‌ایم. سپس با رهگیری منابع مورد استفاده این سایت‌ها و وبلاگ‌ها به سایت‌های اصلی دست پیدا کردیم. در حقیقت اخبار و مطالب سایت‌هایی مثل ساوالان پورت، آراز نیوز، آذوح و قیرمیز در بسیاری از وبلاگ‌ها و سایت‌های هویت خواه دیده می‌شوند. این در حالی است که میزان به روز رسانی این سایت‌ها نیز بالاست.

جدول ۱- سایت‌های مورد بررسی

tribun.com	تریبون	achiq.org	آچیق سوز
tekturan.blogspot.com	تک توران	azoh.info	آذوح
turklar.com	تورک لر	araznews.info	آراز نیوز
sananeews.biz	سانا نیوز	fa.azadtribun.net	آزاد تریبون
savalanport.blogspot.com	ساوالان پورت	mosbate۱۰۰۰.wordpress.com	آزادگی
facebook	فیس بوک	azadeh-sepehri.blogspot.com	آزاده سپهری
qirmiz.com	قیرمیز	oyrenci-sesi.info	اویرنچی
gunaz.tv	گوناذ	gaxm.blogfa.com	ایران بولتن
azerbaycan.blogfa.com	گونی آذربایجان	iranglobal.info	ایران گلوبال
azerinews.mihanblog.com	گونی نیوز	balatarin.com	بالاترین
facebook.com/nasrnewsagency	نصر نیوز	baybak.com	بای بک آذربایجان
nimchehdilmaj.blogfa.com	نیمچه بلاگفا	bbc.co.uk/azeri	بی بی سی آذری
yurd.net	یورد	tebrizsesi.com	تبریز سسی
		tabrizz.cloob.com	تبریز کلوب

پس از بررسی‌ها و پالایش مطالب غیر مرتبط در نهایت ۱۱۶ مطلب رصد و جهت تجزیه و تحلیل بهتر، همه آن‌ها بعنوان نمونه، کدگذاری و وارد محیط کامپیوتر (نرم افزار SPSS) گردید. لازم به ذکر است که برخی از منابع یاد شده به زبان آذری لاتین نوشته شده بودند که بعد از ترجمه، کدگذاری شدند. روش اعتباریابی پژوهش حاضر از نوع اعتبار صوری^۱ بوده است. در این نوع از اعتبار، میزان توافق متخصصان یک امر در رابطه با ابزار جمع‌آوری داده‌ها موردنظر قرار می‌گیرد. در این راستا ضمن استفاده از نتایج مطالعات پیشین از داوری سه نفر از صاحب‌نظران و استادان استفاده شد. همچنین برای اطمینان از قابلیت تکرار یا پایایی^۲ آن نیز، اطلاعات توسط دو نفر کدگذاری شد و نکات مبهم و متناقض اصلاح یا حذف شدند.

تعریف مفاهیم و متغیرهای تحقیق

هویت قومی: به معنای تعلق و تعهد نسبت به عناصر قومی از قبیل سرزمین، دین و آیین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات، مردم، موسیقی، خصوصیات ظاهری و فیزیکی مشترک، افسانه‌ها، اسطوره‌ها و نیاکان و آینده مشترک می‌باشد. برای تعریف عملیاتی هویت قومی از مولفه‌ها و معرف‌هایی مانند: تعهد و تعلق به ابعاد اجتماعی (ناظر بر احساس تعلق خاطر مشترک و تعهد افراد به اجتماع قومی)، تاریخی (خاطرات، رخدادها، شخصیت‌ها و فرازونشیب‌های تاریخی)، جغرافیایی (سرزمین و اسامی جغرافیایی)، سیاسی (در رابطه با نمادهای سیاسی قومی، سرنوشت و حکومت تبلیغی)، دینی (معطوف به علقه‌های دینی و مذهبی مشترک و وفاداری و اعتقاد به آیین‌های آنان) و فرهنگی (ناظر بر سنت‌ها، اسطوره‌ها، فولکلور، هنر، معماری و ادبیات) قومی استفاده شده است.

. Face Validty
. Reliability

هویت ملی: به معنای تعلق و تعهد نسبت به عناصر ملی از قبیل سرزمین، دین و آیین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات، مردم و دولت می‌باشد. برای تعریف عملیاتی هویت قومی از مولفه‌ها و معرف‌هایی مانند: تعهد و تعلق به ابعاد اجتماعی (ناظر بر احساس تعلق خاطر مشترک و تعهد افراد به اجتماع ملی)، تاریخی (خاطرات، رخدادها، شخصیت‌ها و فرازونشیب‌های تاریخی)، جغرافیایی (سرزمین و اسامی جغرافیایی)، سیاسی (تعلق به یک نظام واحد سیاسی و ارزش‌های مشروعیت بخش در یک دولت ملی)، دینی (معطوف به علقه‌های دینی و مذهبی مشترک و وفاداری و اعتقاد به آیین‌های آنان) و فرهنگی (ناظر بر سنت‌ها، اسطوره‌ها، فولکلور، هنر، معماری و ادبیات) ملی استفاده شده است.

مطالب هویت طلبانه قومی: مطلبی که حامل عناصر هویت قومی در ابعاد اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، دینی و فرهنگی قومی می‌باشد. در سنجش و عملیاتی کردن این مفهوم تمام مضامین (اخبار، مقالات، نوشته‌ها و...) اند. که به نوعی در صدد احیاء، تقویت و یا ترویج مساله هویت خواهی قومی (در درجات گوناگون) بودند.

موضوعات هویت طلبانه قومی: منظور از موضوعات هویت طلبانه قومی تمام عقاید و مقالات مطرح شده در لابلای مطالب هویت طلبانه قومی می‌باشد. یعنی مضامین و محورهایی که مطالب مورد بررسی حول آن‌ها نوشته شده‌اند. در مطالبی که به موضوعات پراکنده و متفاوتی در عرصه هویت طلبی قومی پرداخته‌اند، چند موضوع، ذکر شده است. تعداد دفعات (تکرار) هر موضوع در یک مطلب نیز مد نظر قرار گرفته است. مباحثی از قبیل لزوم تدریس زبان آذری، اعتراض به ایده پان فارسیسم، دعوت به شرکت در مراسم قلعه بابک، اعتراض به تحقیر آذری‌ها و... از جمله این موضوعات می‌باشند.

قالب ارائه مطلب: نظری: همه مطالب به سبک‌های نوشتاری ذیل تقسیم شده‌اند: خبر، مقاله و یادداشت، مصاحبه، گزارش، پیام و اطلاعیه و سایر عملیاتی: ۱. خبر:

گزارشی از وقایع عینی دنیای خارجی است که اطلاعات لازم از طریق مشاهده یا مصاحبه به دست آید و نظرات خبرنگار در آن دخالت نداشته باشد و جنبه تازگی داشته باشد. ۲. مقاله و یادداشت: مطالبی است که نویسنده درجهت ابراز عقیده خاص با توسل به موضوعی معین و با استفاده از روش‌های صحیح روزنامه نگاری و رعایت نظم و منطق ژورنالیستی نوشته است. خواه مقاله خبری باشد یا پژوهشی و یا آماری و توصیفی. ۳. مصاحبه: تمام مطالبی که از طریق یک گفت‌وگو کننده و یک مصاحبه شونده ثبت و درج می‌شود. ۴. گزارش: مطالبی که با استفاده از منابع گوناگون از جمله آرشیو یا مصاحبه جمع‌آوری شده و نظرات گزارشگر مستقیماً در آن منعکس نمی‌شود. ۵. بیانیه و اطلاعیه: تمام مطالبی است که با عناوین پیام، اطلاعیه و بیانیه از سوی گروه‌ها و شخصیت‌های مهم هویت خواه صادر شده و در سایت‌ها منتشر شده‌اند. ۶. سایر: آنچه که نتوان در مقوله‌های یاد شده طبقه بندی کرد.

قوم‌گرایی قانون مدارانه: گرایشی است که در آن فرد عناصر قوم خود (در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و...) را دوست دارد و عناصر اقوام دیگر را نیز می‌پذیرد. مطالبی که در آن هویت قومی در راستای هویت ملی دیده شده قوم‌گرایانه تلقی می‌شود. مانند: رشادت‌های ستارخان در راه اعتلای نام ایران و مبارزه با بیگانگان، معرفی مفاخر آذری از جمله شاه اسماعیل، پروین اعتصامی، شهریار و... که همراه با پذیرش بی‌چون و چرای هویت ملی می‌باشد.

قوم ستایی: قوم ستایی گرایشی است که در آن فرد قوم و سرزمین خود را دوست دارد و نسبت به عناصر هویت ملی دیدگاه منفعلانه دارد. این مفهوم با معرف‌هایی مانند این که گاهی هویت طلب، سرزمین آذربایجان را سرزمینی مقدس و عناصر هویتی‌اش مثل زبان ترکی را مورد تمجید و تقدیر فراوان قرار می‌دهد معرفی می‌شود. در این تمجیدها وی هیچ کاری با عناصر هویت ملی ندارد و فاقد موضع می‌باشد اما محور مباحث او سرزمین و ویژگی‌های قوم خود است.

قوم مداری: قوم مداری گرایشی است که در آن قوم خودی برتر دانسته شده و دیگر اقوام تحقیر می‌شوند. در این درجه، فرد نگرش مثبت به درون گروه و نگرش منفی به برون گروه دارد (کوئن، ۱۳۷۲: ۱۳۲). در این جهت گیری مطالبی طرح می‌شود که عناصر هویت ملی بعنوان نمادهای دشمن تلقی می‌شوند. فحوای مطالب این درجه از هویت طلبی قومی در رابطه با مقاومت و جنگ در مقابل این نمادهای دشمنانه می‌باشد.

ناسیونالیسم تجزیه طلبانه: این نوع هویت طلبی قومی گرایشی است که احساس مسئولیت در برابر سرنوشت {تبلیغی} و وفاداری قومی را دربر دارد و در این راه فداکاری می‌طلبد. مباحث مربوط به ناسیونالیسم تجزیه طلبانه از افتراق قومی و در نتیجه افزایش تفکر قوم‌مداری صورت می‌پذیرد و می‌تواند به دو صورت باشد: ۱- این که اقوام و نژادها باید از هم جدا باشند اما نه به منزله جدایی جغرافیایی و تکه تکه شدن کشور (فدرالیسم) یعنی حفظ فرهنگ، زبان، موسیقی، آداب و رسوم و... زیر نظر حکومت مرکزی ۲- درجه فراتر از این به جدایی جغرافیایی نیز منجر می‌شود و خطوط مرزی کشور را تحت الشعاع قرار می‌دهد. برای مثال عده‌ای از آن‌ها با جدایی از ایران خواهان الحاق به جمهوری آذربایجان هستند و عده‌ای هم خواستار کشور مستقل هستند.

یافته‌های تحقیق

مهمترین پایگاه‌های اینترنتی هویت طلبی قومی آذری: همان گونه که در جدول ۲ آمده است بر اساس بررسی‌های انجام شده در طول یک ماه آراز نیوز، قیرمیز و گوناد تی وی به ترتیب با ۱۴، ۱۱ و ۱۰ فراوانی بعنوان مهم ترین پایگاه‌های نشر و پخش مطالب هویت طلبانه قومی محسوب می‌شوند. در جدول ۲ به مهم ترین سایت‌های هویت خواه قومی اشاره شده است.

جدول ۲- مهم ترین سایت‌های هویت خواه (قومی) بر اساس میزان نشر و پخش مطالب

هویت خواهانه قومی

فرآوانی	مهم ترین سایت‌های هویت خواه قومی
۱۴	۱. آراز نیوز
۱۱	۲. قیرمیز
۱۰	۳. گوناذ تی وی
۹	۴. بای بک آذربایجان
۸	۵. ساوالان پورت
۷	۶. آذوح
۷	۷. ایران گلوبال
۵	۸. اویرنچی

درجات هویت طلبی قومی: جدول ۳ نشان دهنده این امر است که بیشترین مطالب قومی مورد بررسی مربوط به درجه قوم‌مداری با ۴۵ درصد می‌باشد. این امر نشان دهند سعی رسانه‌های مورد بررسی در دشمن تراشی و معرفی "دشمن" به مخاطبان، جهت افزایش همگرایی مخاطبان با اهداف شان می‌باشد. به بیان ساده‌تر این رسانه‌ها با تقویت نگاه ضدیت بینی به راحتی می‌توانند قدم به مراحل بالاتر هویت طلبی قومی که ناسیونالیسم و جدایی است، برسند. البته این درحالیست که نایستی به راحتی از کنار ۳۲ مطلب قومی که در درجه ناسیونالیسم تجزیه طلبانه قرار گرفته است، بگذریم. هر چند که ۷ مورد آن مربوط به فدرالیسم می‌شود و ۲۵ مورد آن مربوط به تجزیه طلبی و استقلال می‌شود. گفتنی است که بیشترین مطالب مرتبط با درجه

ناسیونالیسم تجزیه طلبانه مرتبط به سایت‌های گوناختی وی و ساوالان پورت می‌باشد. ایران گلوبال با ۵ فراوانی و آراز نیوز با ۲ فراوانی نیز تنها رسانه‌هایی هستند که در راستای درجه قومی فدرالیسم مطلب نوشته‌اند. بنابراین روشن است که هر کدام از پایگاه‌ها با رویکرد و برنامه هویت طلبانه خاصی به نشر و پخش مطالب دست می‌زنند و از دستور کار معینی پیروی می‌کنند. گفتنی است بررسی پایگاه‌های اینترنتی نشان می‌دهد که در یک ماه مورد بررسی در هیچ کدام از پایگاه‌ها مطلبی که خواهان پاکسازی قومی باشد منتشر نشده است. نتایج در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳- توزیع فراوانی درجات هویت طلبی قومی سایت‌های مورد بررسی

درصد	فراوانی	درجات هویت طلبی قومی
۲۴.۱	۲۷	قوم گرایی
۲.۷	۳	قوم ستایی
۴۴.۶	۵۰	قوم مداری
۲۸.۶	۳۲	ناسیونالیسم تجزیه طلبانه
۰	۰	پاکسازی قومی
۱۰۰	۱۱۲	جمع

قالب‌های ارائه مطالب قوم گرایانه: جدول ۴ نشان می‌دهد که پایگاه‌های هویت خواه (قومی) بیشتر راغب بوده‌اند که از قالب مقاله برای انتقال معانی و منظوره‌های خود استفاده کنند. بطوریکه ۵۴.۳ درصد مطالب مورد بررسی در قالب مقاله نوشته شده است. با توجه به این که قالب مقاله به دلیل ماهیت خود، حجیم و طولانی می‌باشد، از همین رو قدرت تاثیرگذاری مقاله به دلیل ماهیت و استفاده از فنون گوناگون اقناع مخاطب، بسیار بیشتر از سایر قالب‌ها می‌باشد و نویسندگان متخصص تر و متبحرتر را می‌طلبد.

جدول ۴- توزیع فراوانی نوع ارائه مطالب هویت خواهانه قومی

نوع ارائه مطلب	فراوانی	درصد
مقاله	۶۳	۵۴.۳
خبر	۴۲	۳۶.۲
گزارش	۶	۵.۲
مصاحبه	۳	۶.۲
جوابیه	۲	۱.۷
جمع	۱۱۶	۱۰۰

مسببین و نکوهش شدگان قومی در پایگاه‌های اینترنتی: در حالت کلی از ۱۱۶ مطلب مورد بررسی، ۱۱۹ مرتبه عامل یا عاملانی مورد نکوهش واقع شده‌اند. معمولاً نیز با معرفی مسبب و مقصر، فارس‌ها و نیروهای امنیتی، حکومت جمهوری اسلامی نیز در همان مطلب مورد نکوهش واقع شده است. در حقیقت - اگر نگوییم همه - بیشتر سایت‌های مورد بررسی مطالب خود را با دید انتقادی و سیاه‌نمایی و همراه با معرفی مقصر و مسبب نوشته‌اند. همانطوری که از داده‌های جدول شماره ۵ مشخص است، حکومت جمهوری اسلامی ایران با ۴۲ فراوانی بیشتر از همه نشانگاه‌ها مورد نکوهش واقع شده و در بیشتر موارد بعنوان مسبب اصلی وضعیت آذری‌ها معرفی شده است. در این بین سهم پایگاه گوناذ تی وی (با ۶ فراوانی) بیش از سایر رسانه‌ها می‌باشد. این در حالیست که اپوزیسیون و سلطنت طلبان خارج از کشور (که معمولاً با عنوان شونیست‌های فارس از آن‌ها یاد شده) با ۱۴ فراوانی در مرتبه بعد واقع شده‌اند. مصاحبه اخیر اکبر گنجی و فعالیت‌های شبکه‌های ماهوراه‌ای از جمله من و تو و بی‌بی‌سی فارسی نیز بعنوان متفق استراتژیک حکومت جمهوری اسلامی مورد نکوهش واقع شده است. همچنین با توجه به تنوع موضع و درجه هویت طلبان قومی، در ۱۲

مورد، هویت طلبان همدیگر را مقصر و مسبب معرفی کرده‌اند که در این بین فدرالیست‌ها و قومگرایان قانون مدار بیشتر مقصر قلمداد شده‌اند.

جدول ۵- مسببین و نکوهش شدگان در سایت‌های هویت خواه (قومی)

فراوانی	مسببین و نکوهش شدگان
۴۲	حکومت جمهوری اسلامی ایران
۱۴	اپوزیسیون، سلطنت طلبان مقیم اروپا و آمریکا و کانال‌های‌شان از قبیل بی بی سی و من و تو
۱۲	برخی از فعالان ترک
۱۱	نیروهای امنیتی و اطلاعات
۷	مقامات و مسئولین ایرانی
۵	دولت
۵	فارس‌ها
۵	احمدی نژاد
۳	امام جمعه تبریز
۲	حراست دانشگاه تبریز
۲	استانداری ارومیه
۲	سازمان محیط زیست
هر کدام با یک فراوانی	وزارت نیرو، ارمنی‌ها، کردها، مدیر عامل تیم تراکتور سازی تبریز، ارگان‌های قضایی، صدا و سیما، گاهنامه دیده بان و کشورهای جمهوری آذربایجان و ترکیه
۱۱۹	جمع

مهمترین موضوعات مورد توجه رسانه‌های هویت خواه قومی:

در سایت‌های مورد بررسی مسائل گوناگونی برجسته شده است که شامل حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و حتی ورزشی می‌شود؛ به ترتیب به مهمترین موضوعات اشاره شده است.

۱- تضييع حقوق ترک‌ها و ستم دیدگی آن‌ها: تضييع حقوق ترک‌ها و ستم

دیدگی آن‌ها با ۲۸ فراوانی بیش از سایر موضوعات، محور بحث متون مربوط به هویت طلبی قومی بوده است. در این راستا اهانت به حقوق اقوام، ستم دیدگی زنان ترک، نادیده گرفتن هویت اقوام در سیاست‌گذاری‌ها، عدم اجرای اصول ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی، عوام فریبی سرزمینی، استعمار اقوام و بویژه ترک‌ها مورد توجه واقع شده است. در برخی از مطالب وضعیت ترک‌ها را با ارمنی‌ها در ایران مقایسه کرده و محرومیت از تحصیل و تدریس‌شان را با مکانیسم‌هایی از جمله آمار و تاریخ گویی در برابر تعداد اندک ارمنی‌ها بارز کرده‌اند. این شگرد باعث حساسیت بیشتر و افزایش قدرت تاثیرگذاری موضوع گردیده است. از مهمترین اصطلاحات منفی مورد استفاده توسط سایت‌های مورد بررسی در این رابطه می‌توان به: پان فارسیسم، استعمار فارسی، راسیسم فارسی، آذربایجان جنوبی، آپارتاید زبانی، ملت‌های ساکن در ایران (به جای ملت ایران و یا اقوام ایرانی)، زبان رابط (به جای زبان مشترک)، مناطق ملی یا ممالک ایران (به جای ملت ایران)، رژیم فارس، فارسستان، رژیم دیکتاتوری، آریایی‌گری، ناسیونالیسم فارس، شوونیست فارس، فاشیسم مذهبی، دولت فارس‌ها، نسل‌کشی نرم آذربایجانی‌ها، تیم ملی آذربایجان جنوبی (اشاره به تیم تراکتورسازی)، امپریالیزم اسلامی، ناسیونالیست‌های غریزه‌ای، حاکمان مستبد، ملت‌سازی حکومت توتالیتر، کوروش پرستان و... اشاره داشت.

۲- مضامين مرتبط با خشک شدن دریاچه ارومیه: با وجود گذشت زمان مسئله

خشک شدن دریاچه ارومیه کماکان بعنوان یکی از مهم‌ترین موضوعات مدنظر

سایت‌های هویت خواه قومی محسوب می‌گردد. در این رابطه پایگاه‌ها و سایت‌های مورد بررسی، خشک شدن دریاچه را بعنوان پروژه از قبل طراحی شده علیه ترکان قلمداد کرده و با استفاده از مکانیسم‌هایی همچون مقایسه پروژه بزرگ انتقال آب دریای خزر به مناطق فارس نشین (آنهم در مدت چند ماهه) و یا پافشاری درباره خلیج فارس، ابوموسی و تنب‌هایش با مسئله یاد شده، سعی در القای این مضمون دارند که حکومت وابسته به قوم فارس سعی در کوچاندن اجباری ترکان از منطقه اجدادی‌شان دارد. که در این باره با انگاشتن مطالبی در خصوص عدم باز کردن دریچه سدها، عدم لایروبی رودخانه و استفاده نکردن از طرح‌های نوین آبخیزداری و مهم تر از همه انتقال برق به ارمنستان از رودخانه‌های حوزه آبریز دریاچه بر دامنه مسئله می‌افزایند. در این خصوص سایت بای بک آذربایجان در مورخه ۹۱/۲/۱۱ با عنوان "دریاچه ارومیه آخرین قربانی پروژه خواری نیست!" بر این باور است که "پروژه انتقال آب خزر به سمنان، یک پروژه ساده حول محور مهندسی نیست بلکه پشت سرش اما و اگرها و هزاران رانت و هدف سیاسی دارد. البته از زمان قاجار روس‌ها به نوعی خواهان اجرای چنین پروژه‌ای و دستیابی به هندوستان و آب‌های آزاد بودند ولی بطور جدی از سال ۱۳۳۰ اتحاد جماهیر شوروی برای دست یابی به آب‌های آزاد اقیانوس هند بدون صرف هزینه‌های مواصلاتی سنگین به فکر این مساله بود... چند سال پیش نیز این پروژه توسط چندین استاد دانشگاه مطرح شد ولی کماکان مسکوت بود، تا این که این برنامه عملی شد و ذهن جامعه را به توسعه بیهوده کویری و غیرمنطقی کویر مرکزی ایران آماده کردند؛ حال آن که دریاچه ارومیه هم به خزر نزدیکتر است و هم نیاز بیشتری به انتقال آب دارد". همچنین برخی از سایت‌ها با ادبیات احساسی و عاطفی سعی در تاثیر بیشتر بر مخاطبان دارند. مثلاً، نویسنده سایت بالاترین در مورخه ۱۳۹۱/۲/۳ با عنوان "من خواهم مرد اما نه با ابوموسی و تنب‌هایش من با نمک دریاچه جان خواهم داد" از همین مکانیسم برای تشدید روح قومی مخاطبان استفاده کرده است که به بخشی از آن اشاره می‌کنیم. "...انگار نه انگار که این دریاچه بخشی از ایران است.

همگان در مورد ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک در حال مشاجره هستند، امارت می‌گوید من هستم، ایران می‌گوید نه من اینجا هستم و عده‌ای در خیابان، در حالی که شعارهای علیه امارت سر می‌دهند، دریاچه ارومیه در حال خشک شدن است و با گذشت زمان به کویر نمک تبدیل می‌شود. عده‌ای می‌گویند ابوموسی، دریاچه رمق ندارد. امارات توری بزرگ برای صید جزایر سه گانه پهن کرده است و ایران و دوستدارانش می‌گویند "برو گم شو". دریاچه در حال مرگ است. کسی نیست. فریادهایش گوش‌ها را "کر" کرده است اما کسی گوش شنوا ندارد. من خواهم مرد اما نه با ابوموسی و تنب‌هایش من با نمک دریاچه جان خواهم داد، مرا دریابید من در حال مرگ هستم."

۳- حمله به حکومت به خاطر استحاله فرهنگی و سعی در حذف اسامی و

نمادهای قومی: سایت‌های مورد بررسی در ۱۸ مورد سعی در القای این مطلب داشته‌اند که حکومت وابسته به قوم فارس، سیاست استحاله فرهنگی قوم ترک را در پیش گرفته است. عدم اجازه دهی به مردم برای اسم گذاری ترکی فرزندان، دستور هیات دولت مبنی بر حذف پسوند "آذربایجان" از سر عنوان برخی از دانشگاه‌های آذربایجان شرقی، بی توجهی به هویت فرهنگی ترک‌ها، تاریخ سازی و تغییر نام روستاها و اماکن از مهم ترین موضوعات مورد توجه سایت‌های هویت خواه قومی در این راستا بوده است.

۴- دستگیری، شکنجه، اعتصاب غذایی فعالان و مراسم خاک سپاری فعالان

قومی: سایت‌های مورد بررسی اغلب در قالب خبر، به انعکاس مطالبی در خصوص وضعیت وخیم مبارزان قومی در زندان‌های تبریز و دیگر مناطق دست زده‌اند. در همین راستا، سایت‌های یاد شده از مرگ یکی از فعالان قومی که در غائله خرداد ماه ۱۳۸۵ (به زعم خودشان، انقلاب خرداد ماه ۱۳۸۵) از ناحیه چشم مورد اصابت گلوله پلاستیکی قرار گرفته بود، خبرهایی نوشته‌اند.

۵- افزایش آگاهی قومی و نهادینه شدن اهداف جنبش در بین آحاد گوناگون

مردم: مطالبی در خصوص افزایش آگاهی در بین قشر کارگران، زنان و دانشجویان بیان شده است. کانون پویش‌های قومی، اعتصابات و تظاهرات دانشجویی مربوط به دانشگاه تبریز و پخش اعلامیه در رابطه با گرامی داشت غائله خردادماه ۱۳۸۵ و مسئله خشک شدن دریاچه ارومیه می‌باشد. همچنین در خصوص مسلم فرض شدن محبوبیت نمادها و مطالب قومی برای کاندیداهای مجلس شورای اسلامی و دست به دامن این نمادها شدن جهت بدست گیری مناصب سیاسی مطالبی عنوان شده است.

۶- نزاع و مجادله بین فعالان ترک: شخصیت‌های برجسته هویت خواه (قومی)

در خصوص گفتمان‌های قومیتی و مبارزاتی هم‌نوا نبوده و از گفتمان‌های گوناگون از جمله مبارزه مسالمت آمیز، مسلحانه، طرفداران فدرالیسم، تجزیه و... تبعیت می‌کنند. اغلب آن‌ها صاحب سایت‌های ویژه‌ای می‌باشند که گاهی در سایت‌های وابسته علیه استراتژی‌های مبارزاتی همدیگر انتقاد می‌کنند. در بررسی یک ماهه پژوهش حاضر در ۱۰ مورد، این مجادلات که بعضاً حالت توهین آمیز به خود می‌گیرند خودنمایی می‌کنند. در این بین، نزاع اصلی بین حامیان گفتمان‌های فدرالیت و استقلال طلبان می‌باشد.

۷- ارائه تصویری غیر انسانی، متزلزل و مستبد از حکومت جمهوری اسلامی

ایران: در این راستا رسانه‌های هویت خواه، سعی در سیاه نمایی اوضاع کشور، ضعف و ترس حکومت در مقابل نیروهای هویت خواه، ارائه تصویر ابزارانگاران از دین موجود در کشور و اتحاد جنبش‌های قومی مرتبط به آذربایجان بوده‌اند.

۸- تبعیض سیاسی، اجتماعی و بویژه اقتصادی علیه مناطق ترک نشین: درج

مطالبی در خصوص عقب ماندگی اقتصادی مناطق ترک نشین، عدم رعایت توازن منطقه ای، تبعیض در احداث کارخانجات بین مناطق ترک نشین و فارس نشین، کوچاندن برخی از صنایع از استان‌های آذربایجان به استان‌های فارس نشین (بویژه

اصفهان) و رانت خواری نمایندگان استان‌های فارس زبان از مهم‌ترین موضوعاتی است که در این راستا مورد اشاره واقع شده‌اند.

۹- مطالب مربوط به تیم فوتبال تراکتورسازی و ورزشگاه: اشاره به موضوعاتی از جمله شعارهای ملی گرایانه و معترضان، معرفی مدیر عامل باشگاه بعنوان مزدور حکومت، تزیین حقوق آذری‌ها به دست داور مسابقه، دستگیری برخی از تماشاگران تیم تراکتور (به زعم خودشان تیم ملی آذربایجان جنوبی).

۱۰- اطلاعات مربوط به تاریخ، جغرافیا و دیگر حوزه‌های مربوط به ترکان: سایت‌های مورد بررسی با استفاده از قالب مقاله چهار بار به ارائه توضیحاتی درباره تاریخ، جغرافیا، ادبیات، مشاهیر و اسطوره‌های منطقه آذربایجان دست زده‌اند. این مطالب بیشتر در راستای ایجاد احساس غرور و عظمت در بین مخاطبان تهیه و تدوین شده‌اند.

۱۱- انتقاد از سیاست‌های غیرمنطقی و نامناسب برخی از فعالان عرصه هویت طلبی قومی: در مواردی رهبران و برنامه ریزان هویت طلبی قومی به مجادله پرداخته و به نوعی همدیگر را بعنوان مقصر در برنامه‌های قومی و هویت طلبی قلمداد کرده‌اند. در این بین برخی از سایت‌ها، حاکمیت و مقامات جمهوری اسلامی ایران را به اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای ارشادی و مسالمت آمیز توصیه کرده‌اند که در این بین نقش سایت ایران گلوبال پررنگ‌تر از بقیه می‌باشد.

۱۲- سایر موضوعات: در پایگاه‌های یاد شده به بعضی از موضوعات نیز به صورت پراکنده اشاره شده است که از جمله آنها عبارتند از:

۱. حمایت فارس‌ها از آرامنه در اشاعه ماجرای دروغین نسل کشی آرامنه توسط

ترکان

۲. انتقاد به شبکه استانی به دلیل کم و کیف پایین برنامه‌های صوتی ° تصویری

پخش شده

۳. اشاره به دشمنی تاریخی ترکان و فارس‌ها و کشته شدن کوروش توسط ملکه

تورموس

۴. سعی در ستایش روح و غیرت آذربایجانی‌ها

۵. انتقاد از جمهوری آذربایجان و ترکیه به دلیل عدم حمایت کافی از جنبش و

فعالان ترک

۶. اشاره به ایجاد کارگروه استقلال آذربایجان ایران در همایشی که در ترکیه

برگزار گردید

۷. ناراحتی بعلت باخت تیم ملی کشتی جمهوری آذربایجان و ترکیه برابر کشتی

گیران جمهوری اسلامی ایران

۸. اشاره به دخالت‌های حجت الاسلام والمسلمین شبستری امام جمعه تبریز -

در امورات داخلی جمهوری آذربایجان

۹. اشاراتی به دشمنی دیرینه ترکان و کردها که با عنوان جنگ زرد از آن یاد شده

است.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه کمتر کسی در این گزاره شک می‌کند که جهان وارد عصر تازه‌ای شده که نماد آن اهمیت یافتن فضای مجازی است. گسترش فناوری‌های اطلاعاتی - ارتباطی و شبکه‌های ماهواره‌ای و کانال‌هایی با زبان‌های قومی، گسترش راه‌های ارتباطی و رشد کافی نت‌ها و کلوب‌های گوناگون در منطقه از پدیده‌هایی هستند که به نظر می‌رسد باعث ایجاد تغییرات عمده‌ای در ارزش‌ها و نگرش‌ها و شیوه‌های زندگی افراد شده و تغییرات هویتی ایجاد کرده‌اند. بررسی این فضا نشان داد که عاملان از مولفه‌ها و شاخص‌هایی که بیشتر مرتبط با ارزش‌ها، عناصر هویت ملی است، جهت پیشبرد مقاصدشان استفاده می‌کنند. در مطالب مورد بررسی همان گونه که بررسی شد؛ دین، تاریخ، زبان، حقوق بشر، حقوق زنان و سایر اقشار از جمله کارگران و دانشجویان (با

۱۲ فراوانی) به ابزار بدل می‌شوند. تضييع مضاعف حقوق زنان (هم به لحاظ تبعيض جنسیتی و هم به لحاظ تبعيض قومیتی)، سیاه‌نمایی حکومت دینی و سعی در القای حکومت سکولار، لزوم توجه به قدرت کارگران جهت پیشبرد مقاصد، تاریخ‌سازی و تمایز جغرافیایی و... از مهمترین موضوعات سایت‌های قومی می‌باشد. در کنار این قضایا، تحديد عناصر فرهنگی قومی، محرومیت اقتصادی مناطق گوناگون آذربایجان ایران و برخی از جاذبه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور جمهوری آذربایجان به مخاطبان سایت‌های یاد شده القا می‌شود.

هرچند که فیلترینگ و نظارت بر فضای مجازی می‌تواند تا حدی موثر واقع شود ولی به نظر می‌رسد که هر چقدر جلوی بهانه‌ها و توجیحات سایت‌های مورد بررسی با تقلیل عوامل تشدید کننده و رسیدگی و توجه به منطقه آذربایجان گرفته شود، جلوی امکان گرایش مردم آذربایجان به سمت و سوی افکار هویت طلبانه قومی بیشتر گرفته می‌شود. مثلا موضوع آب‌رسانی به دریاچه ارومیه بارها و بارها با پروژه‌هایی از قبیل انتقال آب خزر به مناطق مرکزی (به قول این رسانه‌ها، "مناطق فارس نشین") و جدیت نظام در خصوص خلیج فارس، ابوموسی و تنب‌ها مقایسه شده و از آن تفاسیر متعددی ارائه کرده‌اند که در صورت توجه سریع‌تر و آگاه‌سازی مردم آذربایجان از کارهای صورت گرفته، می‌توان تا حد زیادی جلوی تشدید گرایش‌های قومی در منطقه را گرفت. از دیگر پیشنهاداتی که به بالا بردن انسجام ملی با توجه به داده‌های بدست آمده از پژوهش کمک می‌کند، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- برخی از سایت‌های مورد بررسی با تاکید بر دشمن‌سازی و ضدیت‌سازی ترک و فارس و حتی ترک و کرد سعی در ساخت "ما"ی متفاوت از "مای ایرانی" در مقابل "دیگری دشمن" کرده‌اند. بر همین اساس ضروری است تا موضوع ارتقاء گفتگوهای بین فرهنگی و برقراری تعاملات اجتماعی و اقتصادی اقوام ایرانی با یکدیگر، مورد توجه سیاستگذاران قرار گیرد. تقویت فرآیند ارتباطات قومی و تعاملات گسترده فی‌مابین خرده فرهنگ‌های قومی، موجب کاهش حساسیت‌ها شده و سلیقه‌ها،

تقاضاها، هنجارها، مطالبات و انتظارات تمام شهروندان در خرده فرهنگ‌های گوناگون را مشابه یکدیگر ساخته و موجبات وحدت ملی، انسجام اجتماعی و سرانجام ثبات سیاسی در کشور می‌گردد.

- تحقیر و تمسخر قومی یکی دیگر از موضوعات مهمی است که بارها و بارها توسط این سایت‌ها در کانون توجه قرار گرفته است. بنابراین تلاش در جهت ممانعت از هر گونه تحقیر، تمسخر، تضعیف و بی‌اعتنایی نسبت به هر یک از اقوام و اقلیت‌ها بایستی در دستور کار نهادها و اشخاص تاثیرگذار باشد و ساز و کارهای عملی و نهادی اتخاذ گردد. در این زمینه به نظر می‌رسد که برخی از علما و روحانیون از جمله مقام معظم رهبری کار ارزنده‌ای کرده‌اند و با علم به پیامدهای منفی تمسخر قومی، هر گونه تحقیر و استهزای اقوام را حرام اعلام نموده‌اند که به حق روند پیش روی کشور می‌طلبد که بر مبنای توصیه‌های آموزه‌های دینی مان جهت حفظ اتحاد و انسجام اسلامی چنین اقداماتی از سوی سایر روحانیون نیز دنبال شود. مسئولین قومی و نمایندگان مردم در مجلس هم بایستی با دقت و حساسیت زیاد درباره مسائل قومی ابراز عقیده کنند؛ چرا که در بررسی‌ها مشخص گردید که برخی از سایت‌ها با بهره‌گیری از سخنان این مسئولین مقاصد خود را انتقال می‌دهند.

- استفاده بیش از پیش از نخبگان قومیت‌های گوناگون در بدنه حکومت و اداره امور کشور می‌تواند تاثیر بسزایی در کاهش تحریکات عوامل قومی (سایت‌های یاد شده) داشته باشد. با بالا بردن قدرت سیاسی اقوام می‌توان جلوی بسیاری از بهانه‌ها و توجیهات سایت‌ها را گرفت.

- شمار قابل توجهی از افرادی که در مناطق قومی زندگی می‌کنند دچار فقر و محرومیت هستند که این عامل باعث گرایش آنها به تفکرات تجزیه طلبانه شده و باعث تحریک شان جهت هم‌نوایی با تفکرات قومی می‌شود. این موضوع به طور مکرر در پایگاه‌ها ذکر شده است. کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی از طریق توجه به مناطق قومی و حاشیه مرزها می‌تواند، جلوی این گرایش‌ها را تا حد زیادی بگیرد.

همچنین رسیدگی به این مناطق می‌تواند فرصتی برای کشور جهت اعمال فشار به دولت‌های همسایه در شرایط مقتضی باشد.

- باید تبیین، تبلیغ و تأکید بر پیشینه تاریخی و فرهنگی مشترک ایرانیان در دستور کار همه دستگاه‌های تبلیغی و رسانه ای قرار گیرد تا از این طریق جلوی تاریخ سازی و هویت سازی سایت‌های هویت طلب قومی و وابسته به کشورهای جدا شده از ایران (مانند جمهوری آذربایجان) گرفته شود.

- در بررسی‌ها دیدیم که در دو مورد، هویت طلبان از باخت تیم ملی کشتی جمهوری آذربایجان و ترکیه در برابر جمهوری اسلامی ایران ابراز ناراحتی کرده بودند. اگر برای اقوام این امر مسجل شود که در ساخت هویت ملی کشورمان، اقوام نقش قابل توجهی داشته‌اند و اشخاص و مشاهیر انقلابی، ادبی، علمی، روحانی و... که به اقوام و آذربایجان تعلق داشته‌اند، مانند: ستارخان، میرزا کوچک خان، شهریار، امام خمینی، علامه جعفری و... به عنوان سمبل‌های مشترک ایرانیان قلمداد گردند، آنگاه گرایش‌های تجزیه طلبانه (در جهت تقویت تعلق خاطر آذری‌ها به کشورهای جمهوری آذربایجان و ترکیه) چندان موثر نخواهند بود.

منابع

- احمدی، حمید. (۱۳۸۳)، *قومیت و قومگرایی در ایران، افسانه و واقعیت*، تهران: نشر نی.
- اوزکریمی، اوموت. (۱۳۸۳)، *نظریه‌های ناسیونالیسم*، ترجمه: محمدعلی قاسمی، تهران: نشر تمدن ایرانی.
- بالمر، مارتین. (۱۳۸۱)، *مطالعات قومی و نژادی در قرن بیستم*، گردآورندگان مارتین بالمر و جان سولوموز؛ مترجم: پرویز دلیرپور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- برتون، ر. (۱۳۸۰)، *قوم شناسی سیاسی*، ترجمه: ناصر فکوهی، تهران، نشر نی.
- بلومر، هربرت. (۱۳۸۱)، *آینده بنیانگذاران جامعه‌شناسی*، ترجمه: غلامعباس توسلی، تهران: قومس، چاپ دوم.
- بیرو، آلن. (۱۳۸۰)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- تامسون، دوید. (۱۳۷۰)، *ناسیونالیسم اروپایی*، ترجمه: خشایار دیهیمی، *فصلنامه نگاه نو*، شماره ۴.
- جلالی پور، حمیدرضا؛ محمدی، جمال. (۱۳۹۱)، *نظریه‌های متاخر جامعه‌شناسی*، تهران: نشر نی، چاپ سوم.
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۱)، *هویت اجتماعی*، ترجمه: تورج یاراحمدی، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- چاوا فرانکفورد، دیوید نجمیاس. (۱۳۹۰)، *روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی*، ترجمه: فاضل لارجانی و رضا فاضلی، انتشارات صدا و سیما.
- حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۸۷)، *مساله وحدت ملی و الگوی سیاست قومی در ایران*، *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، دوره نهم، شماره ۳ و ۴.
- دژم خوی. (۱۳۸۰)، *بررسی گرایش مردم تبریز به ویژگی‌های قومی آذربایجان*، اداره کل ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی.
- دشتی، تقی. (۱۳۹۰)، *بررسی حقوق اقلیت‌های قومی در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران در پرتو اسلام و حقوق بشر*.
- دیلینی، تیم. (۱۳۸۹)، *نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی*، ترجمه: بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی، نشرنی، تهران: چاپ چهارم.
- رایف دانیل و همکاران. (۱۳۸۶)، *تحلیل پیام‌های رسانه‌ای (کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق)*، ترجمه: مهدخت بروجردی علوی، انتشارات سروش.

- رحمانی، سمیه. (۱۳۸۸)، *بررسی نگرش نخبگان کرد به هویت جمعی (قومی ملی)*، دانشگاه علامه طباطبائی.
- رفعت جاه، مریم. (۱۳۸۷)، *اینترنت و هویت اجتماعی، مجله جهانی رسانه*، شماره پنجم.
- رمضان زاده، عبدالله. (۱۳۷۶)، «توسعه و چالشهای قومی» *مجموعه مقالات همایش توسعه و امنیت عمومی*، وزارت کشور.
- روح الامینی، محمود. (۱۳۸۳)، "مفهوم شناسی هویت ملی" (گفتگو)، در کتاب: *داود میرمحمدی، گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران*، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- ریتزر، جورج. (۱۳۷۹)، *نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر*، ترجمه: محسن ثلاثی، انتشارات علمی، چاپ چهارم.
- الطائی، علی. (۱۳۸۲)، *بحران هویت قومی در ایران*، چاپ دوم، تهران: نشر شادگان.
- عاطفه فراهانی. (۱۳۸۶)، *مطالعات قومی: مفاهیم و نظریه‌ها*، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی، *پژوهشنامه شماره ۸: تنوع فرهنگی و همبستگی ملی*.
- علیزاده، حسن. (۱۳۸۱)، *فرهنگ خاص علوم سیاسی*، تهران: روزنه.
- فکوهی، ناصر و عیاری، آذرنوش. (۱۳۸۴)، *اینترنت و هویت در پنج هویت اقوام ایرانی*، دانشگاه تهران.
- کریمی مله، علی. (۱۳۸۸)، *همایش آینده‌شناسی هویت‌های جمعی در ایران*.
- کوئن، بروس. (۱۳۷۲)، *مبانی جامعه شناسی*، ترجمه و اقتباس: غلامعباس توسلی، رضا فاضل، تهران: سمت.
- گرگی، عباس. (۱۳۸۴)، *اینترنت و هویت، مطالعات ملی*، شماره ۲۵.

- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۰)، *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- لهستانی زاده، عبدالعلی و دیگران. (۱۳۸۸)، بررسی عوامل داخلی موثر بر هویت قومی و هویت ملی در میان اعراب شهرستان اهواز، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیستم.
- ماتیل، الکساندر. (۱۳۸۳)، *دایره‌المعارف ناسیونالیسم*، ترجمه: کامران فانی، محبوبه مهاجر، تهران: نشر وزارت امور خارجه.
- محمدزاده، حسین. (۱۳۸۰)، تأثیر تمرکزگرایی بر قوم‌گرایی (بررسی سیاسی - فرهنگی و اجتماعی بر شکاف قومی و فعال شدن آن در میان اکراد ایران)، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- مرسلی گنبری، احمدعلی. (۱۳۸۸)، خوانش گفتمان ناسیونالیستی در آذربایجان ایران از منظر انتقادی، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبائی.
- معتمدنژاد، کاظم. (۱۳۵۶)، *روش تحقیق در محتوای مطبوعات*، تهران: دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- هاجینسون، جان. (۱۳۸۶)، *ملی‌گرایی*، ترجمه: علی مرشدی زاد، مصطفی یونسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- Ashmore, R.D, Deaux, K, & Mclaughlin-Volpe, T. (). *An organizing Framework for collective identity: Articulation and significance of multidimensionality*. Psychological Bulletin
- Brass, Paul. (). *Ethnicity and Nationalism: theory and Comparison*, London.
- Lechner, F.J., & Boli, J. (eds.) (). *The Globalization Reader*. Oxford. Blackwell